

آیا مصنوعات اخلاق دارند؟

برونو لاتور و اخلاق تکنولوژی

رحمان شریف زاده*

چکیده

در این مقاله بر اساس سه معنای وساطت تکنولوژی نزد برونو لاتور، یعنی وساطت ترکیب، ترجمه و واگذاری، از سه معنای اخلاقی بودن تکنولوژی سخن خواهیم گفت. تکنولوژی بخشی از کنش‌های اخلاقی ماست، ما برخی از کنش‌های اخلاقی را به تکنولوژی واگذار می‌کنیم، و نیز تکنولوژی می‌تواند قصدها و انگیزه‌های اخلاقاً مهمی را در کاربر ایجاد کند. سپس بحثی را راجع به مسئولیت اخلاقی مطرح خواهیم کرد و با تفکیک مسئولیت از تقصیر نشان خواهیم داد که کنش‌های شبکه‌ای مستلزم سلب مسئولیت انسان یا اعطای مسئولیت به تکنولوژی نیستند و با این حال می‌توان به شکل معناداری از «مجازات تکنولوژی» نیز سخن گفت.

کلیدواژه‌ها: برونو لاتور، وساطت تکنولوژی، اخلاق تکنولوژی، مسئولیت اخلاقی.

۱. مقدمه

معمولاً اخلاق به شکل سنتی به ساحت موجودات دارای اختیار و اراده محدود بوده است. «خوب» و «بد» اخلاقی فقط می‌توانند ویژگی‌های رفتارها انسانی یا حداکثر شخصیت‌های

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)، پژوهشکده جامعه و اطلاعات، گروه اخلاق و حقوق اطلاعات، rahman.sharifzadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۱

انسانی باشند. این کلیشه را بارها شنیده‌ایم: «چاقو نه خوب است نه بد بلکه بسته به کاربر آن می‌توان از آن استفاده خوب یا بد کرد». تلفن همراه به نفسه اخلاقاً خوب یا بد نیست بلکه نوع رفتار ما با آن، یا نوع استفاده ما از آن می‌توان خوب یا بد باشد. با این حال، مطالعات زیادی که راجع به ابعاد اجتماعی فناوری و ابعاد فنی جامعه، به طور خاص در مطالعات علم و تکنولوژی (STS) به ویژه نظریه کنشگر شبکه، صورت گرفته است این دوگانگی و مرز قاطع میان انسان و تکنولوژی را به چالش کشیده است؛ نه انسان دارای ذات محض اجتماعی است و نه تکنولوژی فاقد ابعاد انسانی-اجتماعی (Latour, 1993). وقتی که ما در آمیختگی انسان و تکنولوژی را رصد کنیم در این صورت دشوار بتوان اخلاقیات را فقط مختص و محدود به انسان دانست. به قول فریبک (verbeek, 2011) فقط با گذر از شکاف انسان-تکنولوژی می‌توان ابعاد اخلاقی تکنولوژی را فهم کرد.

ما در این مقاله بر اساس دیدگاه لاتور راجع به تکنولوژی از ربط اخلاقی تکنولوژی دفاع خواهیم کرد. چنانکه خواهیم دید اگر ما وساطت (mediation) مصنوعات را بپذیریم و نتایج چنین دیدگاهی را پی بگیریم، ناچاریم تغییراتی را در دیدگاه سنتی مان راجع به تکنولوژی و رابطه آن با اخلاق ایجاد کنیم. مفهوم وساطت به ما کمک می‌کند تا این حکم اخلاقی که «با انسان‌ها نه همچون وسیله بلکه همچون هدف رفتار کن» را به غیرانسان‌ها نیز تعمیم دهیم: با غیر انسان‌ها نه همچون وسیله بلکه همچون واسطه، و لذا همچون هدف رفتار کن (ر.ک. Latour, 2002). اجازه دهید نخست کمی در مورد مفهوم وساطت و انواع وساطت تکنولوژی بحث کنیم.

۲. چهار معنای وساطت

وسيله صرف یا ختشی (intermediary) و واسطه (mediator) فرق مهمی با هم دارند: وسیله صرف موجودی است که چیزی را بدون اینکه تغییری در آن ایجاد کند منتقل می‌کند (انجام می‌دهد)، اما واسطه در حالی که آن را منتقل می‌کند یا انجام می‌دهد چیزی از خود به آن اضافه می‌کند و آن را تغییر می‌دهد:

وسيله چیزی است که معنا یا نیرویی را بدون تبدیل (transformation) انتقال می‌دهد... [اما] واسطه‌ها معنا یا عناصری که قرار است با خود حمل کنند را تغییر شکل می‌دهند، ترجمه می‌کنند، تحریف می‌کنند، و تعدیل می‌کنند (Latour, 2005: 39).

بنابراین یک واسطه، چیزی که واسطه دیگر به او می‌دهد را فقط منتقل نمی‌کند، بلکه آن را تغییر می‌دهد او چیزی از خود را به آن اضافه می‌کند و آن را به چیزی دیگر تبدیل می‌کند. فردی که در یک دعوی حقوقی نقش یک میانجی (واسطه) را بر عهده دارد میان دو طرف دعوا می‌گیرد و آن‌ها را به نقطه سوم (توافق، سازش) می‌رساند. در اینجا میانجی صرفاً وسیله‌ای در دست یکی از دو طرف دعوا نیست که خواست و هدف وی را عملی کند، او واسطه‌ای است که اهداف، قصدها و برنامه‌های هر دو طرف را تعدیل می‌کند، تغییر می‌دهد. در مقابل، وسیله‌ها آن چیزی که می‌گیرند بدون تغییر فقط منتقل می‌کند. واسطه تغییردهنده، تبدیل‌کننده، و برساننده است اما وسیله فقط منتقل‌کننده یا انجام‌دهنده است.

نتیجه اینکه، وقتی شما با یک واسطه کاری انجام می‌دهید، دیگر شما همان فرد سابق نیستند، بلکه کنش شما، و چنانکه خواهیم دید، اهداف و انگیزه‌های شما، تغییر می‌کند. واسطه موجودی تغییردهنده است و در نظر لاتور تمام کنشگران جهان واسطه‌اند، در نتیجه در هر پیوندی (association) تغییر و تبدیلی در کنشگران آن پیوند رخ می‌دهد.

نکته مهمی که در اینجا می‌توان از آن صحبت کرد این است که وساطت همه کنشگران به یک اندازه نیست. ما به شکل مقبولی می‌توانیم از شدت و ضعف وساطت‌ها سخن بگوییم. برای مقاله یک دانشجوی کارشناسی، داور یک مجله علمی-پژوهشی می‌تواند واسطه بسیار قدرتمندی باشد و تغییرات مهمی را هم در خود دانشجو و هم در مقاله ایجاد کند. این داور می‌تواند مقاله را رد کند یا خواستار تغییرات عمده‌ای در مقاله شود. وی می‌تواند «دارنده یک مقاله علمی-پژوهشی» را بدل به «دارنده یک نوشته شخصی که ارزش علمی ندارد» کند، می‌تواند مقاله را برای همیشه در کشوی اتاق دانشجو محبوس کند. اما مثلاً برای یک دانشجوی دکتری که قبلاً پژوهش‌های زیادی انجام داده و مقاله خود را با متحدان زیادی پیوند داده، این واسطه دیگر چندان قدرتمند نخواهد بود و احتمالاً به تغییرات جزئی در مقاله رضایت خواهد داد.

اگر برای شدت و ضعف وساطت یک طیف در نظر بگیریم، هرچه ما به طرف یک سر طیف نزدیک می‌شویم از وساطت یک کنشگر کاسته می‌شود و در نهایت (در یک نقطه آرمانی) وساطت وی صفر شده و بدل به یک ابزار ختی می‌شود. در سر دیگر طیف ما کنشگری را داریم که کاملاً خودمختار است یعنی وساطت وی به حدی است که ما در برابر آن هیچ اراده و اختیاری نداریم و در واقع ما برای وی یک ابزار محسوب می‌شویم. این

کنشگر «تعیین کننده» قصدها و کنش های ماست. شکل زیر طیف وساطت گری را نشان می دهد.



شکل ۱. طیف وساطت

همان طور که مشاهده می کنیم، در دو سر طیف ما به ابزارها و تعیین گرهای موج هاییم، یعنی موجوداتی که یا هیچ وساطتی ندارند یا شدت وساطت ها آنها آن قدر زیاد است که خودمختار می شوند. موجودات خودمختار قصدها و کنش های دیگران را متعین می کنند. بر این اساس دیدگاه های ابزارانگاری و تعیین گرایی در دو سر طیف قرار می گیرند. لاتور هیچ کدام از این دیدگاه ها نمی پذیرد و هر کنشگری همیشه میزانی از وساطت را دارد. نکته مهم دیگر این است که شدت و ضعف وساطت ها امری نسبی است و بسته به موقعیت وساطت یک واسطه ممکن است ضعیف یا قوی باشد. در مثال قبلی داور مقاله، برای یکی واسطه ای قوی و برای دیگری واسطه ای ضعیف بود.

لاتور (۱۹۹۴) از چهار نوع وساطت تکنولوژی، یعنی چهار نوع تغییر مهمی که تکنولوژی ایجاد می کند، صحبت می کند. وساطت هایی که معمولاً مورد غفلت قرار می گیرند یا کلاً از آنها سلب می شود.

۱.۲ وساطت ترجمه (translation): تکنولوژی اهداف، علایق، قصدها، ایده های دیگران کنشگران تغییر می دهد.

چنانکه قبلاً اشاره شد، ترجمه وقتی رخ می دهد که علاقه، هدف یا قصد شما به چیزی دیگری تبدیل می شود، اما شما هنوز فکر می کنید که آنها معادل یا هم ارز هم هستند. و لذا بسته به کیفیت ترجمه، فکر نمی کنید که قصد و برنامه شما تغییری کرده است. وساطت تکنولوژی می گوید، که شما با تکنولوژی اهداف، علایق، قصدها و ایده های دیگری پیدا

می‌کنید که قبلاً نداشتید. اگر بدون تفنگ شما در هنگام دعوا، حداکثر کسی را زخمی می‌کردید، با تفنگ، «می‌خواهید وی را بکشید». اگر بدون اتومبیل سالی یکبار سفر می‌کردید با اتومبیل «هر هفته می‌خواهید که به مسافرت بروید». مسئله این است که شما بدون تکنولوژی به بسیاری از اهدافتان نمی‌رسید اما با تکنولوژی شما نمی‌توانید «دقیقاً» همان اهداف را حفظ کنید وساطت تکنولوژی آن‌ها را تغییر خواهد داد. همچنین تکنولوژی می‌تواند به ذهن انسان ایده‌ها و طرح‌های جدیدی بدهد. مثلاً یک تکنولوژی ابداع می‌شود و پس از آن از طریق پیوند آن با انسان‌ها و دیگر کنشگران، انسان دارای ایده‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های جدیدی می‌شود که قبلاً هیچ‌گاه نمی‌توانست به آن‌ها فکر کند. اولین اتومبیل‌ها دارای برف‌پاکن نبودند. انسان قبل از ابداع تکنولوژی هیچ‌وقت به برف‌پاکن فکر نمی‌کرد چراکه برف‌پاکن (بدون خود اتومبیل) هیچ مسئله‌ای را حل نمی‌کند. اما وقتی اتومبیل ساخته می‌شود، انسان‌ها درمی‌یابند که در روزهای بارانی باید به شکلی مکرر از اتومبیل پیاده شوند و شیشه‌ها را پاک کنند، اکنون مسئله‌ای ایجاد می‌شود و تکنولوژی برف‌پاکن برای حل آن ساخته می‌شود. بدون وساطت خود اتومبیل، امکان اینکه ما به برف‌پاکن فکر یا درباره کیفیت آن ایده‌پردازی کنیم وجود ندارد. ایده ساختن ماشین‌های بخار احتمالاً بدون وساطت دیگ‌های غذا که می‌توانند با بخار آب درب دیگ را تکان دهند به وجود نمی‌آید. وساطت دیگ (به همراه وساطت دیگر کنشگران از جمله ابزارهای چرخ‌دار)، می‌تواند به انسان ایده، طرح، برنامه، قصد یا هدف ساختن ماشین بخار را بدهد.^۱

۲.۲ وساطت ترکیب (composition): تکنولوژی کنش دیگر کنش‌ها را تغییر

می‌دهد.

این نوع وساطت می‌گوید که کنش ما در پیوند با تکنولوژی دیگر کنش مختص ما نیست بلکه کنش وساطت‌شده است. کنش در نظر لاتور خاصیت یا ویژگی یک شبکه، یا یک زنجیره از کنشگران است نه ویژگی یک کنشگر منفرد. بنابراین مجموعه‌ای از کنشگران ناهمجنسی چون انسان، اتومبیل، جاده، قوانین راهنمایی-رانندگی، پلیس راهور، دیگر رانندگان و... منجر به ظهور کنش رانندگی می‌شود. «رانندگی» به عنوان یک کنش، خاصیت شبکه‌ای از کنشگران است. به همین صورت «شلیک کردن» کنش انسان نیست بلکه کنش مثلاً انسان-تفنگ است. با این حال انسان معمولاً کل کنش را به نام خود مصادره می‌کند و

می گوید که «من» فلان کنش (رانندگی، نویسندگی، مطالعه، سخنرانی، جنگیدن و ...) را انجام می‌دهم.

مفهوم «تراکش» (transaction) دیویی از جهاتی شبیه وساطت ترکیب است. دیویی نیز شکاف انسان و غیرانسان (محیط) را به چالش می‌کشد. کنش‌ها نه کنش یک شخص یا چند شخص بلکه کنش عوامل زیادی از انسان‌ها و غیرانسان‌هاست. مثلاً کنش فوتبال بازی کردن محصول کنش بازیکن، توپ، زمین، داور و... است. از این جهت می‌توانیم بگوییم که دیویی پیشگام نظریه کنشگر شبکه بوده است (Waelbers and Dorstewitz, 2013).

۳.۲ وساطت جعبه‌سیاه‌سازی (black-boxing): تکنولوژی، کنش‌ها، کنشگران، زمان‌ها و مکان‌های متعددی را به یک کنشگر، یک کنش، یک زمان و یک مکان تبدیل می‌کند، یا اصلاً نادیدنی می‌کند.

تکنولوژی موجوداتی رام‌شده، اجتماعی‌شده، منضبط‌شده، و قابل پیشینی‌ای هستند. در واقع ساخت یک تکنولوژی مهار و کنترل یا قابل پیش‌بینی کردن یک شیء است. همین باعث می‌شود که خیلی وقت‌ها نه تنها بیش از «یک چیز» به شمار نمی‌آیند (یک تلویزیون، یک اتومبیل و...) بلکه اصلاً نادیدنی شوند. ما معمولاً خود عینک را نمی‌بینیم و فکر می‌کنیم که «خودمان» مستقیماً داریم به جهان می‌نگریم، به قول دون آیدی (1990) رابطه ما با تکنولوژی در اینجا، دربرگرفتنگی (embodiment) است، برای همین ما آن را به عنوان موجودی مجزا از خودمان احساس نمی‌کنیم. یا بعضی وقت‌ها خود تلویزیون را فراموش می‌کنیم و انگار مستقیماً در حال تماشای یک بازی فوتبال هستیم. یا بعضی اوقات چنان در رانندگی کردن غرق هستیم که وساطت اتومبیل، جاده، هوا، و دیگر کنشگران را از یاد می‌بریم. با این حال، وقتی ناگهان تکنولوژی از کار می‌افتند ما از دو توهم یا غفلت بیرون می‌آییم. اولاً فوراً تکنولوژی به عنوان یک کنشگر در مرکز توجه ما قرار می‌گیرد. ما می‌فهمیم که کنش ما فقط متعلق به ما نبوده است (وساطت ترکیب). در اینجا بحث لاتور بسیار شبیه مفاهیم تودستی و دم دستی هایدگر است. فقط وقتی که چکش کارآشوب می‌شود نجار متوجه وجود وی، به عنوان یک ابزار در دستانش، می‌شود و نگاهش معطوف به آن می‌گردد. توهم دومی که برطرف می‌شود این است که درمی‌یابیم تکنولوژی فقط «یک چیز» نیست بلکه کنشگران و کنش‌های زیادی را در خود گرفته است که هر یک از

این کنشگران خود ممکن است به زمان‌ها یا مکان‌های متفاوتی تعلق داشته باشد. زمانی که تکنولوژی کارآشوب می‌شود کم‌کم شبکه و پیوندهایش ظهور می‌یابند. پس از مدتی تعمیرکاران فرامی‌رسند و دستگاهی را که یک چیز تلقی می‌شد باز می‌کنند و ما می‌بینیم که در درون آن کنشگران و کنش‌های دیگری در کار هستند. تکنولوژی کنش کنشگران زیادی را در خود می‌گیرد و آن‌ها را در درون خود پنهان می‌کند و به اصطلاح یک جعبه سیاه می‌سازد. این جعبه سیاه کنشگران و کنش‌های زیادی را به «یک کنشگر و یک کنش» تبدیل می‌کند.

۴.۲ وساطت نمایندگی (delegation): تکنولوژی، کنش‌های انسانی را نمایندگی می‌کند ولی در همان حال آن‌ها را تغییر می‌دهد.

این نوع وساطت که اهمیت خاصی نزد لاتور دارد به این نکته اشاره دارد که انسان‌ها کنش‌هایشان را به تکنولوژی‌ها محول (delegate) می‌کنند. ما کنش بازکردن در را به درب‌های خودکار واگذار می‌کنیم، درب خودکار کار بازکردن در را برای ما انجام می‌دهد. پلیس کنش کندکردن سرعت اتومبیل‌ها را به سرعت‌گیرها محول می‌کند. اما آیا تکنولوژی دقیقاً همان کار را انجام می‌دهد؟ به هیچ وجه. تکنولوژی تلاش‌های زیادی را که بدون آن‌ها افراد ناچارند انجام دهند تا همان کار تکنولوژی انجام پذیرد با تلاشی کوچک جابه‌جا می‌کنند. یک تکنیک به اندازه تلاش‌ها و قدرت‌ها و زمان زیادی که در نبود وی مورد نیاز هستند قدرت دارد. بدون تکنولوژی درب خودکار یا آرام‌بندها همواره نیاز به یک دربان داشتیم تا از بسته شدن در پس از ورود هر فردی مطمئن شود. این فرد فقط ساعات محدودی آن هم نه پیوسته و با انرژی می‌تواند کار کند. ما نیاز داریم چندین نفر در طول شبانه‌روز کار بسته شدن درب را انجام دهند، ماهیانه حقوق آن‌ها پرداخت شود، و مطمئن شویم که آن‌ها کارشان را به درستی انجام می‌دهند. ترکیب یک فنر و لولا، آرام‌بندی (door-closer) را می‌سازد که جای تمام آن تلاش‌ها هزینه‌ها و دلهره‌ها را می‌گیرد. سرعت‌گیر می‌تواند ۲۴ ساعته بروی خیابان باقی بماند. ورود یک تکنولوژی تمام کنشگران درگیر را بازتعریف خواهد کرد: با ورود سرعت‌گیر، نه خیابان همان خیابان قبلی است نه پلیس همان پلیس قبلی است، نه راننده‌ها همان راننده‌های قبلی هستند و حتی کنش «ترمز کردن» هم با ترمز کردن قبل از ورود سرعت‌گیر فرق می‌کند. پلیس اکنون فردی است که حتی بدون حضورش می‌تواند سرعت ماشین‌ها را کم کند؛ خیابان اکنون دارای یک برجستگی

چندساختی است؛ رانندگان اکنون باید کاملاً متوجه علامت وجود سرعت گیر کنار خیابان باشند؛ کنش ترمز کردن اکنون نه برای جریمه نشدن بلکه برای محافظت از فیزیک ماشین انجام می‌گیرد.

اما این نیمی از ماجراست؛ چنانکه پیداست محول کردن یا واگذاری کنش فقط از سوی انسان به تکنولوژی نیست بلکه تکنولوژی نیز کنش دیگری را به انسان محول می‌کند کنشی که در قالب یک «دستورالعمل» معمولاً بر روی خود دستگاه به انسان ابلاغ می‌شود. دستورالعمل، ویژگی کاربر ایدئال را توصیف می‌کند یعنی به ما می‌گوید که فردی که با این دستگاه کار می‌کند باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد و چه کارهایی بکند. مثلاً آرام‌بندهای فنی اولیه، کاربرهای ماهر و چابک را مفروض می‌گرفتند. بنابراین نه تنها ما به تکنولوژی می‌گوییم که چه کارهایی برای ما انجام دهد (inscription)، تکنولوژی نیز کنش‌هایی تجویز می‌کند (prescription).^۲

۳. بُعد هنجارین تکنولوژی

«دستورالعمل» بعد هنجارین تکنولوژی است. یعنی تمام بایدها و نبایدهای تکنولوژی، اعمال یا حمل ارزش‌های سیاسی یا قواعد اخلاقی در وساطت نمایندگی یا وساطت واگذاری، قرار می‌گیرند وقتی تکنولوژی تجویز (prescribe) می‌کند که کاربران یک تکنولوژی چه کسانی هستند، این یعنی جامعه را به گروه‌های تازه‌ای تقسیم می‌کند و اجازه استفاده بعضی افراد را نمی‌دهد. مثال مشهور وینر در مقاله کلاسیک «آیا مصنوعات سیاست دارند» (۱۹۸۰) را به یاد آوریم. برخی از پل‌های لانگ‌ایلند (Long Island) نیویورک، اجازه نمی‌دادند که اتوبوس‌هایی که بیشتر حامل افراد و مخصوصاً سیاهان طبقه پایین جامعه بودند از آن عبور کنند. ارتفاع آن تا اندازه‌ای بود (اغلب کمتر از ۹ پا (ص ۱۲۳)) که فقط افرادی که دارای اتومبیل‌های شخص بودند می‌توانستند از آن عبور کنند و از پارک‌های و رای آن‌ها لذت ببرند. این یک تبعیض سیاسی آشکار است که توسط تکنولوژی اعمال می‌شود. بنابراین تکنولوژی از طریق ابلاغ یک دستورالعمل یک تبعیض و عدم تقارن بین کاربران ایجاد می‌کند. ایجاد تبعیض یا مرزبندی تقریباً نتیجه کار با هر دستگاهی است و فقط محدود به پل‌های وینر نمی‌شود. در مثال آرام‌بند، افرادی که زود نمی‌توانند از درب عبور کنند، درب با شدت زیادی با صورتشان برخورد می‌کند (Latour, 1988: 302). بنابراین به‌وضوح یک آرام‌بند با فنرهای قوی بین افراد چابک و افراد کم‌توان یا مسن مرزبندی‌ای

قائل می‌شود. تمام دوچرخه‌ها افراد را به پادارها و بی‌پاها (یا کسانی که از ناحیه پا مشکلی حرکتی دارند) تقسیم می‌کنند و اجازه استفاده گروه دوم را نمی‌دهند. تمام اتومبیل‌های معمولی در حق کسانی که دست ندارند یا مشکل حرکتی دارند اعمال تبعیض می‌کنند. بنابراین تکنولوژی با ابلاغ یک دستورالعمل، کاربر ایدئال را تعریف می‌کند و از افراد می‌خواهد که در قالب آن نقش بروند و کنش‌های محول‌شده را انجام دهند در این میان برخی قربانی می‌شوند یا کنار گذاشته می‌شوند، یا اصلاً نقش واگذار شده را نمی‌پذیرند.

وینر نه تنها ادعا می‌کند که مصنوعات ارزش‌های سیاسی را تحمیل می‌کنند بلکه معتقد است خود تکنولوژی می‌تواند سیاسی باشد به این معنا که می‌تواند مناسبات و روابط سیاسی جدیدی را شکل دهند. مثلاً خطوط تولید کارخانه، روابط مبتنی بر نظم و انضباط صلب را شکل دهد نظامی که پیش از آن تکنولوژی مورد نظر کسی نبوده است. در دیدگاه لائور چنین چیزی با توجه به وساطت ترجمه و ترکیب وضوح بیشتری می‌یابد، تکنولوژی‌ها می‌توانند منجر به ایجاد نظام سیاسی جدیدی، نظم سیاسی جدیدی شوند، چراکه انسان در پیوند با آن‌ها نه تنها قدرت (نظامی، سیاسی و...) می‌یابد بلکه وارد نظم و روابط سیاسی جدیدی نیز می‌شود. به این بحث بازخواهیم گشت.

۴. آیا مصنوعات اخلاقی دارند؟!

در این قسمت، بر اساس وساطت‌های ترکیب، نمایندگی و ترجمه از سه معنای اخلاقی بودن تکنولوژی سخن خواهیم گفت.^۳ به عبارتی دیگر، از این ادعا دفاع می‌کنیم که تکنولوژی به سه معنا می‌تواند به حوزه اخلاق مرتبط شود. مفهوم وساطت لازم می‌آورد که تکنولوژی‌ها به همان معنایی که سیاست دارند اخلاق نیز داشته باشند یا به اخلاق مرتبط شوند.

۱.۴ سه معنای اخلاقی بودن تکنولوژی

۱.۱.۴ تکنولوژی بخشی از یک کنش اخلاقی است

آیا می‌توان بدون تکنولوژی، اخلاقی بود؟! به عبارتی دیگر آیا کنش اخلاقی بدون وساطت تکنولوژی انجام‌پذیر است؟ ما بیش از پیش در یک زندگی تکنولوژیکی درگیر شده‌ایم، غیرانسان‌ها تقریباً تمام پیرامون ما گرفته‌اند و عملاً هر کنشی بدون وساطت آن‌ها امکان‌پذیر

نیست. طبق وساطت ترکیب، کنش محصول یک پیوند است نه خاصیت یک کنشگر منفرد. بنابراین کنش‌های ما بدون واسطه آن‌ها صورت نمی‌گیرند، چه این کنش‌ها اخلاقی باشند چه خارج از حوزه اخلاق. بنابراین پاسخ این پرسش‌ها در حالت کلی، منفی است. برای روشن شدن مطلب، حکم‌های اخلاقی زیر را در نظر بگیرید: ۱. شما نباید به خودتان آسیب برسانید؛ ۲. شما نباید به دیگران آسیب برسانید؛ ۳. شما نباید به طبیعت آسیب برسانید.

بدون وساطت تکنولوژی در بسیاری جاها، شما نمی‌توانید کنش اخلاقی همساز با این احکام را داشته باشید. به عبارتی ساده‌تر بدون تکنولوژی نمی‌توانید این احکام را رعایت کنید. هر یک از این احکام، در شبکه اجتماعی فنی ما پارادوکس یا دایلمایی ایجاد می‌کنند و بدون وساطت یک تکنولوژی حل آن‌ها بسیار دشوار به نظر می‌رسد. برای مثال «چگونه می‌توان بدون اینکه به خودتان آسیب برسانید از اتومبیل، موتورسیکلت و غیره استفاده کنید؟» دقت کنیم که راه‌حل این مسئله، خروج از شبکه اجتماعی فنی نیست بلکه راه‌حل ساخت و استفاده از مصنوعی است که مسئله فوق را حل می‌کند: یعنی مثلاً کمربند ایمنی، کیسه هوا، کلاه ایمنی و غیره. در اینجا کنش محافظت از خود یا آسیب‌نرساندن به خود، محصول پیوند شما با این مصنوعات است. ما نمی‌توانیم از این مصنوعات استفاده نکنیم و همچنان سعی کنیم که حکم اخلاقی ۱ را رعایت کنیم. کنش اخلاقی محافظت از خود، بدون وساطت تکنولوژی صورت نمی‌گیرد.

مثال دیگری را در نظر بگیریم. ما نمی‌توانیم در درون شهرها خیابان نداشته باشیم، و خیلی وقت‌ها نمی‌توانیم تعداد اتومبیل‌هایی را که از خیابان استفاده می‌کنند کنترل کنیم، و همچنین نمی‌توان کلاً از خیابان عبور نکرد، و روشن است که عبور از خیابانی که ماشین‌ها از آن تردد می‌کنند خطر تصادف را بالا می‌برد. بنابراین باز با یک مسئله مواجه‌ایم: «چگونه هم از خیابان عبور کنیم و هم حکم ۱ را رعایت کنیم؟». تکنولوژی یک میان‌بر کم‌هزینه می‌سازد؛ اگر بخواهیم به شکلی مستقیم مسئله فوق را حل کنیم ناچار به پرداخت هزینه زیادی بودیم، مثلاً باید منتظر می‌ماندیم تا از خلوت شدن خیابان مطمئن شویم یا با دقت و سرعت خاصی از خیابان عبور می‌کردیم که این نیز مخاطرات خاص خود را دارد. راه‌حل ورود یک تکنولوژی است: پل عابر پیاده.

حکم ۲ را در نظر بگیرید. در شبکه اجتماعی فنی کنونی بدون وساطت تکنولوژی شما در بسیاری از موقعیت‌ها نمی‌توانید از آسیب‌رساندن به دیگران اجتناب کنید. برای مثال سعی کنید آدم وقت‌شناسی باشید (و دیگران را بی‌جهت منتظر نگذارید) ولی از ساعت

استفاده نکنید. هدفن مثال جالب دیگری است که دایلمایی شبیه این را حل می‌کند: چگونه در میان دیگران باشم ولی فقط خودم صدای خاصی را بشنوم؟ اگر این سؤال را چند صد سال پیش مطرح می‌کردید چنان پارادوکس گونه به نظر می‌رسید که حل آن جز با داشتن نیروی فرازمینی (مانند نیرویی که پیامبران برای دریافت وحی داشتند) ممکن به نظر نمی‌رسید. اما اکنون هدفن این پارادوکس را حل می‌کند. شما در میان دیگران هستید و صدایی که می‌شنوید مزاحمتی برای دیگران ایجاد نمی‌کند. اگر از هدفن استفاده نکنید، دو راه پیش روی شماست: ۱. فقط وقتی که تنها هستید به چیزی گوش کنید (که این ممکن است در شبکه اجتماعی فنی فعلی به شما آسیب بزند؛ مثلاً ممکن است شما نیاز داشته باشید که وقت‌هایی که مثلاً با مترو مسافرت می‌کنید، به سخنرانی‌های علمی، برنامه‌های زبان، و موسیقی گوش کنید)؛ ۲. برنامه مورد علاقه خود را با صدای بلند گوش کنید که در این صورت به احتمال زیاد برای دیگران مزاحمت ایجاد می‌کنید و حکم ۲ نقض می‌شود.

می‌دانیم که آلوده کردن هوا هم به دیگران آسیب می‌رساند هم به محیط زیست؛ از طرفی استفاده از اتومبیل برای تردد امری اجتناب‌ناپذیر است. چگونه هم از اتومبیل استفاده کنیم و هم هوا را کمتر آلوده کنیم و لذا به دیگران و طبیعت کمتر آسیب برسانیم؟ استفاده از وسایل نقلیه عمومی (یا اتومبیل‌های برقی) می‌تواند یک راه‌حل باشد. بنابراین بدون این تکنولوژی‌ها، رعایت احکام ۲ و ۳ ناممکن، یا بسیار دشوار یا پرهزینه خواهد بود.

به این ترتیب، اگر شما در یک شبکه اجتماعی فنی هستید، و بخواهید انسانی اخلاقی باشید نمی‌توانید از تکنولوژی استفاده نکنید. این یعنی بدون تکنولوژی، در حالت کلی، نمی‌توان اخلاقی بود. و لذا کنش اخلاقی شما صرفاً کنش مختص شما نیست، بلکه این کنش با «ترکیب» عاملیت شما و تکنولوژی صورت گرفته است.



شکل ۱: در این تصویر، مترو، بخشی از کنش اخلاقی نجات کودک از سوی مادر است؛ به عبارتی دیگر مادر بدون وساطت مترو، نمی تواند این کنش اخلاقی را انجام دهد (گرفته شده از مترو تهران).

۲.۱.۴ تکنولوژی می تواند اعمال کننده یک قاعده یا هنجار اخلاقی باشد

در وساطت نمایندگی (یا محول سازی؛ یا واگذاری) گفتیم که بُعد تجویز (دستورالعمل) تکنولوژی کنش هایی را به انسان محول می کند و همچنین کاربر ایدئال را تعیین می کند. و گفتیم که دستورالعمل افراد، جامعه را از نو تعریف می کند و ممکن است تبعیض هایی علیه افراد روا بدارد (بحث سیاست تکنولوژی). اخلاقی بودن تکنولوژی به معنای دوم، به همین تجویز مربوط می شود.

همان طور که تکنولوژی می تواند یک ارزش سیاسی را اعمال یا تحمیل کند می تواند یک قاعده اخلاقی را نیز تحمیل کند. تمام نرده پنجره ها، حفاظ ها، قفل ها و... این قاعده های اخلاقی را در برمی گیرند که «شما نباید وارد حریمی شوید که متعلق به شما نیست». همان طور که پلیس کنش گفتاری یا رفتاری [از طریق دست] «سرعت ماشین را کم کن» را

به سرعت گیر می‌سپارد، انسان‌ها بیان قواعد اخلاقی «نباید دزدی کنی» «نباید وارد حریم خصوصی افراد شوید» را به نرده‌ها، قفل‌ها و حفاظ‌ها می‌سپارند. اما چنانکه در بحث وساطت نمایندگی دیدیم، کنش اخلاقی افراد از طریق محول‌کردن به تکنولوژی تغییر می‌کند. اگر فرد با بیان گفتاری «نباید دزدی کنی» می‌توانست چند نفر را از این کار بازدارد، نرده‌ها و قفل‌ها «تقریباً» مانع اکثر افراد می‌شوند و حتی در نبود فرد می‌توانند همچنان همان قاعده اخلاقی را اعمال کنند. وقتی سارق می‌خواهد از پنجره وارد منزل کسی شود و نرده مانع آن می‌شود در واقع نرده به وی نه تنها این قاعده اخلاقی را که «وی نباید وارد ملک دیگران شود» یادآوری می‌کند بلکه به وی نشان می‌دهد که «نمی‌تواند وارد ملک دیگران شود»!

دوربین‌های مدار بسته در فروشگاه‌ها نیز در جاهایی این قاعده اخلاقی را «که شما نباید دست به سرقت بزنید» اعمال می‌کنند. دوربین مدار بسته برخلاف نرده و قفل که این پارادوکس را حل می‌کردند «چگونه کاری کنیم که فقط افرادی که اجازه مالک را دارند وارد ملک شخصی وی شوند»، این پارادوکس را حل می‌کند که «چگونه کسی را وارد ملک شخصی خود کنیم ولی اجازه ندهیم که [مثلاً] دست به سرقت بزنند». گفتیم که تکنولوژی یک میان‌بر ایجاد می‌کند، اگر به شکلی مستقیم می‌خواستید این مسئله را حل کنید باید همواره حرکات کسی که وارد ملک شخصی شما می‌شود را زیر نظر داشته باشید و این عملاً برای فروشگاه‌هایی که افراد زیادی را در خود می‌پذیرند ناممکن است. دوربین‌های مدار بسته، «در محضر خداوند گناه نکنید» را به «در محضر دوربین‌های مدار بسته گناه نکنید» تبدیل می‌کنند!

بنابراین تکنولوژی می‌تواند حامل و اعمال‌کننده قواعد اخلاقی باشد؛ به عبارتی دیگر انسان‌ها اعمال این قواعد را به تکنولوژی «محول» یا «واگذار» می‌کنند.

۳.۱.۴ تکنولوژی می‌تواند انگیزه‌های اخلاقی یا غیر اخلاقی به انسان بدهد.

در اینجا بر اساس وساطت ترجمه می‌خواهیم از این ادعا دفاع کنیم که تکنولوژی می‌تواند انگیزه‌ها و اهداف اخلاقی یا غیر اخلاقی در اختیار انسان بگذارد یا به شکل نامحسوس تلقین کند. گفتیم که در وساطت ترجمه تکنولوژی اهداف و قصدهای انسان را تغییر می‌دهد، بنابراین کاملاً ممکن است که قصدها یا اهداف وساطت‌شده، اخلاقی یا غیر اخلاقی باشند. مثال خود لاتور در مورد تفنگ روشن‌گر است: شما قبل از تفنگ حداکثر کسی را

زخمی می‌کردید اما اکنون «می‌خواهید» او را بکشید! انگیزه کشتن برساخته‌ای از وساطت تفنگ در انسان، یا در آمیختگی انسان-تفنگ است. به قول لاتور کسی که در نهایت می‌کشد فقط انسان نیست بلکه انسان-تفنگ است. مثال دیگر وساطت اینترنت در سرقت ادبی کاربران است؛ مطالعاتی انجام گرفته‌اند که نشان می‌دهد اینترنت سرقت ادبی را افزایش داده است (Atkins and Nelson, 2001). دقت کنیم که در اینجا مسئله فقط این نیست که اینترنت فضا را برای سرقت ادبی فراهم کرده است، مسئله این است که انگیزه برای سرقت ادبی بیشتر شده است؛ یعنی بعضی از افرادی که قبلاً انگیزه‌ای برای سرقت ادبی نداشته‌اند یا حتی مخالف آن بودند اکنون چنین انگیزه‌ای پیدا کرده‌اند. مثال دیگر، بازی نهنگ آبی است. تاکنون موارد زیادی گزارش شده که کاربران این بازی پس از طی کردن مراحل این بازی دست به خودکشی زده‌اند. این بازی به عنوان یک تکنولوژی دارای توان وساطت است و می‌تواند به افراد انگیزه خودکشی بدهد یا تلقین کند. اگر ما تکنولوژی را بدون قدرت وساطت در نظر بگیریم، از پتانسیل‌های آن برای تغییر قصدها و انگیزه‌ها غافل می‌شویم.

اگر تکنولوژی هم بخشی از کنش اخلاقی ماست، هم اعمال‌کننده قواعد اخلاقی است و ما بسیاری از کنش‌های اخلاقی را به آن می‌سپاریم، و هم انگیزه‌ها و قصدهای ما را تغییر می‌دهد به نحوی که ممکن است به واسطه آن‌ها قصدهای اخلاقی یا غیر اخلاقی جدیدی پیدا کنیم، اولین مسئله‌ای که مطرح می‌شود مسئله مسئولیت اخلاقی انسان است. آیا می‌توان گفت انسان در درون یک شبکه اجتماعی فنی مسئولیت اخلاقی دارد؟ در بخش پایانی این مقاله به این پرسش خواهیم پرداخت.

۵. وساطت تکنولوژی و مسئولیت

مسئولیت (responsibility) چنانکه هاش و لاتور (2010: 113-114) آن را ریشه‌شناسی می‌کند واژه لاتین respondeo به معنای این است که در گفتار یا عمل پاسخ‌گوی (respond) فریاد یا فراخوان (call) دیگری باشیم. به طور سنتی انسان فقط در مقام مسئول یا پاسخگو بوده است چراکه چنانکه گفتیم به شکل سنتی فقط انسان عامل اخلاقی در نظر گرفته شده است. اما با توجه به بحث‌هایی که داشتیم چنین ادعاهایی چندان واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسند. شما نمی‌توانید مثلاً بازی «نهنگ آبی» را به لحاظ اخلاقی خشتی در نظر بگیرید. این بازی گرایش‌ها (orientations) و پتانسیل‌هایی خاصی دارد که به لحاظ اخلاقی اهمیت دارند.

برای اینکه در چهارچوب نظریه کنشگر شبکه ناکارآمدی این دیدگاه سستی بیشتر نشان داده شود اجازه دهید بدانیم در تلقی کلاسیک از عامل اخلاقی، شرایط یا پیش شرط‌های مسئولیت اخلاقی کدام‌اند. اکثر فلسفه‌های اخلاق فقط وقتی کسی را مسئول یک کنش می‌دانند که چهار شرط زیر برقرار باشد (Swierstra, 2005: 202):

۱. عامل باید قابلیت متهم شدن را داشته باشد (مثلاً یک کودک یا کسی که مشکل روانی دارد نمی‌تواند مسئول اخلاقی شناخته شود).
۲. عامل باید شخصاً کنش را انجام داده باشد.
۳. عامل باید آزادانه دست به کنش زده باشد.
۴. عامل توانسته باشد پیامدهای کنش خود را پیش‌بینی کند.

بر اساس وساطت‌های ترکیب، واگذاری، ترجمه و جعبه‌سیاه‌سازی می‌توان شروط دوم و سوم و نیز پیش‌فرض این شروط (یعنی محدود کردن عامل به انسان) را نقد کرد. طبق وساطت کنش، هیچ کنشی «شخصاً» انجام نمی‌شود بلکه همواره شبکه‌ای از عوامل انسانی و غیرانسانی درکارند: «یک کنش صرفاً ویژگی انسان‌ها نیست بلکه پیوندی از کنشگران است» (Latour, 1994: 35). کنش نهایی محصول عاملیت تمام کنشگران در پیوند است که در یک نقطه تبدیل به جعبه‌سیاه شده است. این جعبه‌سیاه‌سازی معمولاً منشأ کنش را با عدم قطعیت مواجه می‌کند و «محصول مشترک بازیگران [انسانی] و مصنوعات را کاملاً مبهم» (ibid: 36) می‌کند. نسبت دادن منشأ کنش به قصدهای انسانی یا آنچه ساحت عقل خوانده می‌شود نارساست. رانندگی با سرعت ۲۰۰ کیلومتر، صرفاً نتیجه قصد راننده نیست، بلکه نتیجه، اتومبیل، جاده، قوانین راهنمایی-رانندگی، دیگر رانندگان، آب‌وهوا و غیره است. در واقع کنش محصول یک شبکه است که در سرعت ۲۰۰ کیلومتر تبدیل به جعبه‌سیاه شده و عوامل آن نادیدنی می‌شوند و مورد غفلت قرار می‌گیرند، مگر اینکه قسمتی از این شبکه به مشکل بربخورد.

از این گذشته بر اساس وساطت ترجمه، قصدهای ما قصدهای ثابت و غیروساطت‌شده نیستند؛ قصدیت نیز برخاسته از شبکه است؛ اینکه شما «قصد می‌کنید» سفری سه‌روزه به اروپا داشته باشید برآمده از ذات انسانی شما نیست بلکه این قصدیت برآمده از شبکه‌ای هست که در آن هواپیما، خطوط هوایی، قوانین مربوط به پرواز، روابط میان کشورها و غیره است، خارج از این شبکه نه تنها چنین قصدی نمی‌کردید بلکه احتمالاً حتی چنین قصدی به ذهن شما هم نمی‌رسید.

اگر چنانکه دیدیم در شبکه‌های اجتماعی فنی هم کنش‌های ما وساطت شده هستند و هم قصدهای ما، در این صورت آزادی اراده ما نیز تحت تأثیر واقع می‌شود و ما دیگر نمی‌توانیم از آزادی اراده کامل سخن بگوییم؛ ما همواره تحت تأثیر نیروهایی از دیگر کنشگران هستیم. باین حال مجبور و فاقد اراده هم نیستیم، در اینجا به نظر می‌رسد باید از دوگانگی آزادی اراده کامل یا جبر کامل بیرون بیاییم. کسی که به واسطه بازی نهنگ آبی دست به خودکشی می‌زند نه کاملاً آزاد بوده است نه کاملاً مجبور. اراده او تا اندازه‌ای تحت تأثیر این تکنولوژی قرار گرفته است. از این گذشته ما همواره میراث‌بر کنش‌ها، تصمیم‌ها، و جعبه‌سیاه‌های گذشته هستیم و در چهارچوب آن‌ها دست به کنش می‌زنیم؛ والبرز (2009: 58) مثال کیبوردهای متداول کورتی (QWERTY) را می‌زند، اکنون آیا شرکت دل یا ایسوس چقدر آزاد است که کیبوردهای غیر از این را طراحی کند؟ اکنون استفاده از این کیبوردها تبدیل به یک مهارت و برای کسانی تبدیل به شغل شده است؛ این نوع کیبورد جعبه‌سیاهی است که به راحتی نمی‌توان تغییرش داد. آیا شرکت دل در ساخت کیبورد کورتی مجبور است؟ خیر؛ این شرکت می‌تواند کیبوردهای دیگری طراحی کند. آیا کاملاً آزاد است؟ خیر؛ چون طراحی کیبوردهایی غیر از کورتی، می‌تواند آینده این شرکت را با خطر جدی مواجه کند. به نظر می‌رسد در اینجا لازم است از این دوگانگی خارج شویم، و تصویری از درآمیختگی جبر و اراده آزاد در شبکه‌های اجتماعی فنی را در ذهن ترسیم کنیم.

اکنون وقت آن است کخ به سؤال پاسخ دهیم که چه بر سر مسئولیت اخلاقی کاربر یک تکنولوژی می‌آید؟ پاسخ کلی این است که از انسان سلب مسئولیت نمی‌شود ولی همه تقصیرها یا مجازات‌ها نیز متوجه انسان نیست. برای دقیق‌تر شدن این پاسخ، باید به تفاوت عاملیت (agency)، مسئولیت (responsibility)، و تقصیر (accountability) توجه کرد. در مورد عاملیت اخلاقی، با توجه به بحث‌هایی که داشتیم می‌توان گفت هم کاربر تکنولوژی عامل اخلاقی است هم طراح یا سازنده تکنولوژی و هم خود تکنولوژی. تکنولوژی هم انجام‌دهنده کنش اخلاقی است (وساطت و اگذاری) هم بخشی از کنش اخلاقی است (وساطت ترکیب) و هم ایجادکننده یا تغییردهنده قصدهای اخلاقاً مهم است (وساطت ترجمه). این نگاه با تعریفی که فلوریدی از عامل اخلاقی دارد نیز هماهنگ است:

یک کنش را می‌توان اخلاقی به حساب آورد اگر و تنها اگر علت خیر و شر باشد. یک عامل را می‌توان عامل اخلاقی خواند اگر و تنها اگر توانایی انجام کنشی را که اخلاقی به شمار می‌آید داشته باشد (Floridi and Sanders 2004: 12).

بنابراین طبق این تعریف یک ربات قاتل (Killer robot) عامل اخلاقی است چراکه کنش‌های آن می‌تواند علت خیر یا شر باشند. بنابراین در کنار کاربر و طراح، می‌توان خود تکنولوژی را نیز عامل اخلاقی به شمار آورد.

اما در مورد مسئولیت اخلاقی، با توجه به شبکه باورهای فعلی ما، فقط طراح و کاربر تکنولوژی مسئولیت اخلاقی دارند؛ چراکه ما دست‌کم تا اندازه‌ای اراده و قصدیت را از پیش‌فرض‌های مسئولیت اخلاقی می‌دانیم و این در حالی است که ما اراده و قصدیت را به خود تکنولوژی نسبت نمی‌دهیم. با این حال اگر جامعه‌ای اشیا را نیز دارای اراده و قصدیت بدانند، در این صورت مسئولیت اخلاقی متوجه اشیا نیز خواهد شد.

تقصیر (accountability) اشاره به قابلیت سرزنش و مجازات دارد؛ این مفهوم در مقابل مسئولیت، بیشتر بار حقوقی دارد تا اخلاقی. همه کنشگرانی که در یک کنش مشارکت داشته‌اند قابلیت مجازات شدن را دارند. باین حال روشن است که هر کنشگری که قابل مجازات (یا سزاوار مجازات) باشد لزوماً مسئول اخلاقی نیست. افراد در تصادفات غیر عمد گرچه مشمول مجازات می‌شوند اما مسئول اخلاقی نیستند. در کنشی که تکنولوژی و انسان مشارکت دارند، هر دوی آن‌ها مقصرند و لذا قابلیت مجازات شدن را دارند. مثلاً وقتی فردی به واسطه بازی نهنگ آبی خودکشی می‌کند، هم طراح مقصر است هم کاربر و هم خود بازی (ولی فقط اولی و دومی مسئول اخلاقی هستند^۵). به لحاظ حقوقی ممکن است مجازاتی علیه سازنده بازی اعمال شود (مثلاً زندانی شود)، و نیز مجازاتی علیه خود بازی اعمال شود (مثلاً فروش آن ممنوع شود، یا از طریق بدافزارهایی اجرای آن با مشکل مواجه شود). جدول زیر بحث فوق را خلاصه می‌کند.

جدول ۱. ارتباط ویژگی‌های اخلاقی حقوقی کنشگران درگیر

ویژگی اخلاقی/حقوقی	شمول کنشگران
عاملیت اخلاقی	طراح، کاربر، تکنولوژی
مسئولیت اخلاقی	طراح، کاربر
قابلیت مجازات	طراح، کاربر، تکنولوژی

بر این اساس، در ارزیابی اخلاقی یک کنش، هم باید به تکنولوژی توجه کرد و هم به انسان؛ چراکه گرچه در این میان این انسان است که مسئول اخلاقی است اما فقط وی مقصر و در نتیجه فقط وی سزاوار مجازات نیست.

۶. نتیجه گیری

طبق سه نوع وساطت ترکیب، نمایندگی، و ترجمه، نه تنها مصنوعات می توانند بخشی از یک کنش اخلاقی یا غیر اخلاقی باشند (یعنی ما به واسطه آنها می توانیم اخلاقی باشیم)، نه تنها می توانند قواعد یا هنجارهای اخلاقی را اعمال کنند (یعنی ما، در بسیاری از موارد، به واسطه آنها می توانیم امر به معروف و نهی از منکر کنیم)، بلکه حتی می توانند ایجادکننده انگیزه‌ها و قصدهای اخلاقی یا غیر اخلاقی باشند. باین حال، چنانکه بحث کردیم این مستلزم سلب آزادی اراده، قصدیت و مسئولیت اخلاقی انسان نیز نخواهد بود. در شبکه‌های اجتماعی فنی اولاً نه جبر حاکم است نه اراده کامل، و چنانکه بحث کردیم لازم است از این دوگانگی خارج شد. همچنین قصدیت برآمده از وجود محض انسانی نیست بلکه قصدهای ما وساطت شده هستند. از این گذشته از آنجایی که ما اندازه‌ای از اراده و قصدیت را از پیش فرض‌های مسئولیت اخلاقی می دانیم تکنولوژی را مسئول اخلاقی به حساب نمی آوریم اما این معنای این نیست که تکنولوژی در کنش‌های اخلاقاً مسئله‌دار ما بی تقصیر (non-accountable) هستند؛ از این رو چنانکه دیدیم آنها نیز مجازات‌پذیر هستند (البته به طریقی متفاوت از مجازات انسان‌ها). بنابراین برخلاف تصور معمول، اخلاق و اخلاقیات در شبکه اجتماعی فنی جامعه، فقط نمی توانند مربوط و مختص به انسان‌ها باشند، بلکه به مصنوعات نیز مربوط‌اند و مصنوعات نیز می توانند دارای ابعاد اخلاقی باشند. به قول لاتور «قانون اخلاقی در قلب‌های ماست اما در دستگاه‌های ما هم هست» (Latour, 2002: 253).

پی‌نوشت‌ها

۱. من در اینجا از وساطت حیوانات در تحول تکنولوژی بحث نمی‌کنم. همان‌طور که ماشین‌ها می‌تواند به انسان ایده ساختن ماشین‌های دیگر را بدهند حیوانات نیز می‌توانند. مطالعاتی در مورد تاثیر تجربه اسب‌سواری برای رسیدن به ایده ساختن دوچرخه انجام شده است؛ نکته

آیا مصنوعات اخلاقی دارند؟ ۹۳

جالب اینکه دو چرخه‌های اولیه اسب کوچک (hobby-horse) یا اسب شیک (dandy horse) خوانده می‌شدند (Hans-Erhard, 2001).

۲. برای بحث تفصیلی درباره این واژه‌ها و واژه‌های مرتبط، بنگرید به:

Latour, Bruno and Madeleine Akrich (1992)

۳. از آنجایی که وساطت جعه‌سیاه سازی با هر سه وساطت دیگر ارتباط دارد و به نحوی نتیجه آن‌هاست ما در این قسمت بحث مجزایی راجع به ارتباط آن با اخلاق نخواهیم داشت.

۴. کیبوردهایی که از بالا سمت چپ با حروف qwerty شروع می‌شوند.

۵. طراح وقتی مسئول اخلاقی است که شرط چهارم مسئولیت اخلاقی که چند صفحه قبل بحث کردیم در مورد وی صادق باشد.

کتاب‌نامه

- Atkins, Thomas and Nelson, Gene (2001). 'Plagiarism and the Internet: Turning the Tables', *The English Journal* Vol. 90, No. 4.
- Floridi, L., and J. W. Sanders (2004). "On the Morality of Artificial Agents." *Minds and Machines*, 14 (3): 349-79.
- Ihde, Don. (1990). *Technology and the Lifeworld*. Bloomington: Indiana University Press.
- Langdon Winner (1980). Do Artifacts Have Politics? *Daedalus*, Vol. 109, No. 1, *Modern Technology: Problem or Opportunity?* (Winter, 1980), pp. 121-136
- Latour, Bruno (1993). *We have never been Modern*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Latour, Bruno (1994). 'On Technological Mediation: Philosophy, Psychology, Genealogy', *Common Knowledge*, Vol. 94, No. 4.
- Latour, Bruno (2002). 'Morality and Technology, The End of the Means', *Theory, Culture, and Society*, Vol. 19, No. 5.
- Latour, Bruno (2005). *Reassembling the Social: An Introduction to Actor-Network Theory*, Oxford: Oxford University Press.
- Latour, Bruno (Jim Johnson) (1988). 'Mixing Humans and Nonhumans Together: The Sociology of a Door-Closer', *Social Problems* Vol. 35, No. 3, Special Issue: *The Sociology of Science and Technology* (Jun., 1988), pp. 298-310.
- Latour, Bruno and Madeleine Akrich (1992). 'A Summary of a Convenient Vocabulary for the Semiotics of Human and Nonhuman Assemblies', In Wiebe E. Bijker and John Law (eds.), *Shaping Technology/ Building Society, Studies in Sociotechnical Change*, Cambridge, Mass: MIT Press.
- Lessing, Hans-Erhard (2001). "What Led to the Invention of the Early Bicycle?" *Cycle History* 11, San Francisco.

- Swierstra, T. E. (2005). Trapped in the duality of structure: An STS approach to engineering ethics.
- In H. Harbers (Ed.), Inside the politics of technology (pp. 199–227). Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Verbeek, peter-paul (2011). Moralizing Technology, Understanding and Designing the Morality of Things, The University of Chicago Press, Chicago and London.
- Waelbers, K. (2009). Technological delegation: responsibility for the unintended. Science and engineering ethics, 1(15), 51-68.
- Waelbers K, Dorstewitz P. (2013). Ethics in actor networks, or: what Latour could learn from Darwin and Dewey, Sci Eng Ethics. 2014 Mar;20(1).
- Winner, L. (1986). “Do Artifacts Have Politics?” In The Whale and the Reactor. Chicago: University of Chicago Press.